

تاثیر تمدن یونان

بر آریانی دبروز
یا افغانستان
امروز

ص ۳

دمتریوس نیز مانند پدر امپراطوری آریانا را به امارتها تقسیم و امرای کاردانی مقرر کرده سررشته و تنظیم امورات اداری و اجتماعی را شخصاً متکفل شده و بطور منظم و دلخواه اجرا میسر کرد .

سکه های امرای معالی بنام خود شان ضرب زده میشد و اکثراً ضرب اسمای ارباب انواع را در سکه های خود ترجیح میدادند مثلاً در کاپیسا که مرکز اداره امارت پارویا میزاد بود تصویر زیوس را که بدست خود مجسمه سه سره را گرفته ، بروی پارچه های مربع های مسی کهنه میکشیدند . در انواع ملکات (معاظت سزاه) و در انواع دیونیزوس (در انواع اسکور و شراب) که آنها مخصوص کاپیسا بود بروی سکه ها نمایش یافته است همچنان گاه بروی سکه جات تصاویر شیر ، پلنگ و حیوانات درنده دیگر هم کهنه میشد . در عصر دمتریوس علاوه از پارچه مس و نیکل فلز دیگری که مسکوکات بروی آن ضرب زده میشد پارچه های خورد نقره بود که شاه بیگرویی آن اسم خود را ضرب زده و اکثراً در انواع باختری و اناهیتا ، را بروی دیگر آن نمایش میداد . شاه گاه بلباس هندی که بسر کلاه مانند سرفیل میداشت تصویر خود را بروی سکه ها نقش می بست . و این رمز از جهتی بود که هند را کاملاً در تحت سلطه واقفدار امپراطوری آریانا آورده و لقب فاتح هند را گرفته بود . و گاه بکنوع مسکوکاتی را سکه در آن بخط خسروشتی نام شاه کهنه می شد و مخصوص اهالی جنوب هندو کش بود ، استعمال می کرد .

دمتریوس پادشاه عادل و مهربان بود و در خویش بوده و قنیه که میخواست مقامی را بدست آورد آنرا فتح ممنوع می کرد یعنی باشدگان آن ولارا صید اخلاق نیکو ، عدالت و انصاف خود نموده و برای اشاعه تمدن یونان و باختری خویش را ننی از افراد آنجا جلوه میداد . و روحیات آنانرا مطالعه کرده از راه خود شان با ایشان پیش آمد می کرد ، لهذا این شخص برای فتح هند در ابتدا بنرمی و ملایمت باهندها پیش آمده و بنیاً خط سیر آشوکارا تعقیب نمود و حتی از انتشار و اشاعه دین بودائی هم مانند پیرو مخلصی خود داری نمی کرد . ازین رو دین بودائی که در قسمت های جنوب هندو کش در وقت شاهان موربا هم داخل شده بود در عصر اوسر ناسر پارویا میزاد را اشغال و دامنه آن خیلی وسیع تر از سابق شده تقریباً شمال هندو کش را تحت نفوذ گرفته سرایت کرده بود .

بعد از دمتریوس خاندان سوم سلطنتی یونان و باختری به امداد و کمک سلوسی های شامی در سال ۱۷۵ ق م در بکتریا و در سنه ۱۶۰ ق م در تمام آریانا آمده زمام امپراطوری یونان و باختری را بدست آوردند . موسس این امپراطوری دیو کرائید بود سکه ناج و تخت آریانا را تصاحب نموده مستعمرات هندی را به بازماندگان خانواده دوم گذاشت . در عصر این خانواده باختر صنعت مهم صنعت گسردید صنایع حکاکی ، مهر کشی ، و دیگر صنایع

و نقاشی به منتهای روح خود رسیده بود . دیو کرایید اولین کسی است که بروی سکه طلا ضرب زده است . در هرزه یار بس سکه مذکور ، وجود شاهدار نام صنعت حکاکی آریا و زده است . دیو کرایید خود را لقب پادشاه کبیر داده و شهری هم بنام خود و دیو کرایید بنا ، در بلخ بنا نمود .

مسکوکات دیو کرایید خیلو نفیس و از صنایع مستظرفه درجه اول حکاکی آریوزه بحساب رفته و تا امروز هم دنیا آنرا به نظر قدر می بیند و در صدر موزیم های صنایع درجه اول قدمه باداده و میدهد . سکه طلا دیو کرایید بشمار ۱۰۰۰ ۶۸۰ گرام وزن دارد که یونانیان آنرا چار درهمی گویند . بیکروی سکه های دسته اولی خود شماره صبح و شام را نمایش میداد و طرف دیگر آن و دیو کرایید پادشاه ، ضرب میزد . در مسکوکات کابیسای خود مس را استعمال کرده آنرا بشکل مربع قطع و روی آن زینوس بالای تخت نشسته نقش می شد ، و بدو رسم الخط خروشتی و براکریت اسم دیو کرایید بالای آن کنده می شد . و بر عکس این سکه ها را با این دو رسم الخط دایره ل میگیرند که مردمان جنوب هندو کش بزبان یونان آشنا نبوده و شاهان یونان باختری زبان معلی خود را اختیار میدادند . در جمله شاهان یونانو باختری از پلار نیز نامبرده و او را بضا و اده سلطنتی ابو کرایید نسبت داده اند . این شخص بر فولاد سکه زده و بروی آن مراده چار اسپه را نمایش داده که در آن وقت علامه آفتاب بود . و این مطلب را افاده میگرد که همچنانکه آفتاب برای حیات بشر لازم است مراده چار اسپه هم بهمان اندازه برای شاهان یونانو باختری لازم شمرده میشد . و آنها را در گردش و جنگها استعمال میکردند . ساختمان و استعمال این مراده را نیز از تاثیرات یونانیان بر باختر میتوان خواند که مراده دوا سبه عصر اوستا در زمان یونانیان باختری شکل چار اسپه و مکمل تری را بشود گرفته بود و میتوان آنرا شاهد ترفی صنعت نجاری آن دوره شمرد . ساختمان این قسم مراده ها در مدرسه صنایع کندها را هم عمومیت داشته بسلیقه منحصر و بانفاس و زیبایی ساخته میشد .

آخرین پادشاه دوره سوم سلطنت یونانو باختری هلیوکاس است که در سنه ۱۳۵ ق م از جانب پارتها شکست خورده به جانب جنوب هندو کش قیام حکومت نموده است . و از جانب اقوام اسکینی هم برای تسخیر حکومت یونانو باختری میکوشیدند و برای بر انداختن آن چاره ها میجهتند . تا اینکه از قضایین اسکانیها ، پارتها در سرزمین باختر تصادم و جنگ مهبی رخ داد که اولاً بنفع اسکانیها تمام شد . مگر اخیراً مبرداد پارتی آن ها را عقب زده باین ترتیب سلطنت یونانو باختری به جنوب هندو کش منتقل شد .

بالاخره بعد از هلیوکاس سلسله شاهان کوچک یونانو باختری به جنوب هندو کش

کابیسای پای تخت فرار داده و تا حوالی ۴۵ - ۲۰ ق م حکمفرمایی داشتند و آخرین شاه ایند و ره یونانو کابلی هر مایوس را نام برده اند که در عصری کوشانیان در خاک ما از جانب شمال تسلط یافته و خانواده کوچک شاهان یونانو کابلی را خاتمه داد . (باقی دارد)

و نقاشی به منتهای روح خود رسیده بود . دیو کرایید اولین کسی است که بروی سکه طلا ضرب زده است . در هرزه یار بس سکه مذکور وجود شاهدار نام صنعت حکاکی آریا و زده است . دیو کرایید خود را لقب پادشاه کبیر داده و شهری هم بنام خود دیو کرایید بنا کرده در بلخ بنا نمود .

مسکوکات دیو کرایید خیلو نفیس و از صنایع مستظرفه درجه اول حکاکی آریوزه بحساب رفته و تا امروز هم دنیا آنرا به نظر قدر می بیند و در صدر موزیم های صنایع درجه اول قدمه باداده و میدهد . سکه طلا دیو کرایید بشمار ۱۰۰۰ ۶۸۰ گرام وزن دارد که یونانیان آنرا چار درهمی گویند . بیکروی سکه های دسته اولی خود شماره صبح و شام را نمایش میداد و طرف دیگر آن دیو کرایید پادشاه و ضرب میزد . در مسکوکات کابیسای خود مس را استعمال کرده آنرا بشکل مربع قطع و روی آن زینوس بالای تخت نشسته نقش می شد . و بدو رسم الخط خروشتی و براکریت اسم دیو کرایید بالای آن کنده می شد . و بر عکس این سکه ها را با این دو رسم الخط دایره ل میگیرند که مردمان جنوب هندو کش بزبان یونان آشنا نبوده و شاهان یونان باختری زبان معلی خود را اختیار میدادند . در جمله شاهان یونانو باختری از پلار نیز نامبرده و او را بضا و اده سلطنتی ابو کرایید نسبت داده اند . این شخص بر فولاد سکه زده و بروی آن مراده چار اسپه را نمایش داده که در آن وقت علامه آفتاب بود . و این مطلب را افاده میگرد که همچنانکه آفتاب برای حیات بشر لازم است مراده چار اسپه هم بهمان اندازه برای شاهان یونانو باختری لازم شمرده میشد . و آنها را در گردش و جنگها استعمال میکردند . ساختمان و استعمال این مراده را نیز از تاثیرات یونانیان بر باختر میتوان خواند که مراده دوا سبه عصر اوستا در زمان یونانیان باختری شکل چار اسپه و مکمل تری را بشود گرفته بود و میتوان آنرا شاهد ترقی صنعت نجاری آن دوره شمرد . ساختمان این قسم مراده ها در مدرسه صنایع کندها را هم عمومیت داشته بسلیقه منحصر و بانفاس و زیبایی ساخته میشد .

آخرین پادشاه دوره سوم سلطنت یونانو باختری هلیوکاس است که در سنه ۱۳۵ ق م از جانب پارتها شکست خورده بجانب جنوب هندو کش قیام حکومت نموده است . و از جانب اقوام اسکینی هم برای تسخیر حکومت یونانو باختری میکوشیدند و برای بر انداختن آن چاره ها میجوئیدند . تا اینکه از قضایین اسکانیها پارتها در سرزمین باختر تصادم و جنگ مهمی رخ داد که اولاً بنفع اسکانیها تمام شد . مگر اخیراً مبردا پارتی آن ها را عقب زده باین ترتیب سلطنت یونانو باختری بجنوب هندو کش منتقل شد .

بالاخره بعد از هلیوکاس سلسله شاهان کوچک یونانو باختری بجنوب هندو کش

کابیسای پای تخت قرار داده و تا حوالی ۴۵ - ۲۰ ق م حکمفرمایی داشتند و آخرین شاه ایندوره یونانو کابلی هر مایوس را نام برده اند که در عصری کوشانیان در خاک ما از جانب شمال تسلط یافته و خانواده کوچک شاهان یونانو کابلی را خاتمه داد . (باقی دارد)